

رویه های قضائی

رأی شماره ۶۱- ۴۶/۷/۱۹ هیئت عمومی دیوان کشور

حقوق ایام تعلیق قضائی پس از رفع آن

در موضوع اختلاف نظر بین دو شعبه پنجم و دوازدهم دیوان عالی کشور که شعبه پنجم در مورد شکایت آقای ن. ا. دایر به مطالبه حقوق ایام تعلیق طبق رأی شماره ۱۰۵۴ - ۴۳/۷/۸ حکم داده که چون حکم محکمه بدوی انتظامی راجع به انفصال شخص نامبرده از خدمت قضائی در مرحله تجدید نظر منتهی به فسخ و تبرئه مشارالیه شده و تمام آثار حکم بدوی با صدور آن رأی از بین رفته لذا نامبرده استحقاق حقوق ایام مزبور را دارد. و شعبه دوازدهم در مورد آقای غ. ر. مبنی بر مطالبه ما به التفاوت حقوق اداری و قضائی در موقعیکه مشغول بکار اداری بوده طبق رأی شماره ۸۱۴-۱۶/۹/۴۲ حکم داده که چون شاکی مزبور بعد از خدمت قضائی قبول خدمت اداری کرده و از حقوق اداری تا تاریخ صدور رأی هیئت تجدید نظر استفاده کرده و به موجب رأی تجدید نظر بعلت تخلفات قضائی به کسر عشر حقوق در مدت شش ماه محکوم شده لذا استحقاق دریافت ما به التفاوت حقوق قضائی را در مدتی که کار اداری مینموده ندارد.

بر حسب تقاضای جناب آقای دادستان کل برای ایجاد وحدت رویه از نظر وجود اختلاف اصولی بین آراء دو شعبه دیوان کشور در مورد استنباط از تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب دیماه ۱۳۱۵ و ماده ۴۰ قانون استخدام کشوری

وماده ۲۰ قانون استخدام قضات مصوب ۲ اسفند ماه ۱۳۰۶ با استناد به ماده واحده قانون راجع به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور بتاريخ ۱۹ مهرماه ۱۳۴۶ طرح و با جلب نظر جناب آقای دادستان کل که مبنی بر تأیید نظر شعبه ۵ بود مشاوره نمود و بشرح زیر رأی میدهد:

چون حکم محکمه بدوی انتظامی که در باره آقای غ. ر. مبنی بر انفصال او از خدمت قضائی صادر شده بعداً در مرحله تجدید نظر فسخ گردیده و طبق مستفاد از رأی هیئت تجدید نظر عنوان قضائی از شخص نامبرده سلب نشده بلکه از حیث تخلفات منتسب با و از جهتی تبرئه و از جهت دیگر به کسر عواید در شش ماه محکوم گردیده و با بقاء عنوان قضائی برای مشارالیه قبول کار اداری در مدتی که رأی محکمه بدوی انتظامی ملغی الاثر نشده بود تأثیر در وضع قضائی او ندارد بنا بر این رأی شعبه پنجم دیوان عالی کشور که ابقاء عنوان قضائی را در مورد قاضی منفصل دیگر باعتبار رأی هیئت تجدید نظر دائر بر فسخ رأی محکمه انتظامی و ملغی شدن آثار آن محفوظ شناخته قابل تأیید میباشد.

رأی شماره ۶۷-۴۶/۹/۱- هیئت عمومی دیوان عالی کشور

مرجع اعتراض به قرار رد دادخواست فرجامی

راجع به اختلاف نظر بین شعبه سوم و دهم دیوان عالی کشور در باب محل قبول (اعتراض نسبت به قرار رد فرجامی) که طبق رأی شماره ۱۲-۳۹۸۶-۴-۳۶۳۱۳ شعبه سوم استفاده میشود که آن شعبه دادن اعتراض را به هر یک از مراجع مذکور در ماده ۵۳۰ آئین دادرسی مدنی بلاشکال دانسته ولی شعبه دهم طبق رأی شماره ۱۹-۱۴۵۱ با استفاده از ماده ۵۳۸ مکرر آئین دادرسی مدنی نظر داده که مرجع قبول اعتراض نسبت به قرار رد فرجامی منحصرأً دیوان عالی کشور میباشد و جناب آقای دادستان کل برای ایجاد وحدت رویه موضوع را به هیئت عمومی دیوان کشور فرستاده هیئت مزبور در تاریخ ۱۳۹۹/۴ بریاست جناب آقای عمادالدین میرمطهری و حضور رؤسا و مستشاران دیوان کشور بشرح زیر رأی میدهد:

بنظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور منظور از جمله مندرج در ماده ۵۳۸ قانون آئین دادرسی مدنی باین عبارت (صاحب دادخواست میتواند بدیوان عالی کشور شکایت نماید) تعیین

مرجع رسیدگی باین نوع شکایات است. بعبارت آخری رسیده‌گی باین نوع شکایات را منحصرأ در صلاحیت دیوان کشور دانسته و نظر قانونگذار به مرجع دریافت‌کننده دادخواست نبوده زیرا تکلیف این امر بموجب ماده ۵۳۰ قانون آئین دادرسی مدنی که مرجع تقدیم دادخواست را دیوان کشور یا مراجع دیگر مذکور در ماده مزبور تعیین نموده معین گشته و شکایت از قرار رد دادخواست فرجامی هم که فرعی است متفرع بر اصل تسابع همان مقررات ماده ۵۳۰ بوده و نظر شعبه سوم دیوان عالی کشور که در همین زمینه صادر گردیده تأیید می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی